

انتخابات ریاست جمهوری و تحولات پیشرو

ایران، در پایان بهار ۱۴۰۳، با شرایط بسیار پیچیده تر از همیشه باید تجهیز شود، در منطقه و جهان باید رقابت کند و ضمن ارتقا و توسعه و رفع مشکلات کلان، توطئه و کمین دشمنان و رقبا را نیز رفع و دفع نماید. آیا این زمینه و امکان در کار و اندیشه و عزم رئیس جمهور آینده می تواند موجود باشد و از قوه به فعل درآید؟

به گزارش سایت خبری پرسون، سید مسعود رضوی در یادداشتی نوشت: با ورود به مرحله نهایی و اعلام اسامی نامزدهای تایید صلاحیت شده از طرف شورای نگهبان، اینک نوبت شنیدن سخنان، اعلام برنامه ها و معرفی معاونان و وزرای احتمالی شش کاندیدای مورد تایید است تا منظر و افق ترکیب کابینه و طرز سیاست و مدیریت رئیس جمهور ایران در چهاردهمین دوره برای مردم مشخص شود.

در این زمان اندک و این شرایط اضطراری که به دلیل سانحه بالگرد ریاست جمهور فقید حجت الاسلام رئیسی و همراهان پیش آمده، باید همه در زیر چتر وحدت ملی و برای حفظ حریم مملکت، دست به پوییش و کوششی سخت بزنند و آزمون و انتخابی تاریخی را به نفع خود و کشور، و صلاح فرزندان ثبت کنند.

ایران، در پایان بهار ۱۴۰۳، با شرایط بسیار پیچیده تر از همیشه باید تجهیز شود، در منطقه و جهان باید رقابت کند و ضمن ارتقا و توسعه و رفع مشکلات کلان، توطئه و کمین دشمنان و رقبا را نیز رفع و دفع نماید. آیا این زمینه و امکان در کار و اندیشه و عزم رئیس جمهور آینده می تواند موجود باشد و از قوه به فعل درآید؟

پاسخ مثبت است؛ اگر یک تیم متخصص و کارآمد و سالم و معتقد به منافع ملی در کنار رئیس جمهور و کابینه او باشند: هم بیندیشند. هم نقد کنند و آسیب شناسی مداوم را در دستور کار قرار دهند. هم راه حل های درست و منطقی و پایدار بیابند و در حد مقدرات کشور به کار آورند. هم مستقل باشند و جز به منافع ملی نیندیشند. هم با مردم صادق باشند و به ملت گزارش و آمار درست بدهند... و هم عزم و اراده و شجاعت برای ترمیم و همکاری در هرسطحی داشته باشند و ازدهای فساد را به نام و نشان، درجنگی سخت بکوبند تا راهی باز شود و مردم را دلگرم و امیدوار سازد.

دادن این شعارها آسان است اما در عمل، هر گام همچون راه رفتن بر لبه تیغ سخت و دلهره آور است. شرایط اقتصاد و بحران در طبقات اجتماعی، به وضوح در حال هشدار و اعلام وضعیت نارنجی و قرمز است.

آب و هوا و محیط زیست، فرسایش زمین و آلودگی فزاینده، مشکل حامل های انرژی و قیمت قهری و آتی آن، مهاجران و مدیریت حضورشان در شرق و مرکز و هرجای ایران، امنیت اجتماعی و رابطه آن با فقر روزافزون، مسکن و عدم سرپناه برای بخش قابل توجهی از مردم، آموزش و پرورش و مدارس طبقاتی و فرسوده، دانشگاه و فارغ التحصیلانی که شغل ندارند، بانکها و نقدینگی نامعقول، حقوق بازنشستگان و کارگران و معلمان، بنگاه های زیان ده، و از همه مهمتر تحریم و عدم معاملات کانال های ارزی بانکی برای تجارت و صنعت که محدود و مسدود است و مانند سد بلندی منابع را می فرساید و تجارت را ناممکن می کند.

می دانیم که اقلیتی از این محدودیت ها نفع می برند و با هدایت حداقل منابع و دارایی ها، خود را ناجی و کاربلد معرفی می کنند تا در شرایط غیر شفاف و غیر رقابتی به سودهای کلان برسند و سرخ معیشت و بسیاری امور دیگر را در دست خود نگه دارند. اما اینک تاوان سنگینی بر ملت و نظام تحمیل شده و جهان در حال تحولی بی سابقه است. موازنه ها دیگر سود برق آسا برای مافیای انرژی و آب و توزیع و بسیاری امور دیگر نخواهد داشت و شاید روزنه ای برای ردوی کار آمدن اراده ای متفاوت و معطوف به منافع ملی بتواند ایران و مشکلاتش را دریابد و از این گذرگاه حوادث به سوی توسعه و ثروت و منزلت و امنیتی که شایسته است هدایت کند.

شرایط جهان را رصد کنیم و ضرورت تغییرات الزام آور و اجتناب ناپذیر را دریابیم. این رهگذر را نباید با رها کردن و نادیده گرفتن و دفع الوقت از دست داد. شاید جبران مخاطرات دیر شود و همانند امضای به تاخیر افتاده در معاهده ای است که در شرایط تازه نمی تواند منافع ما و توقعات دیگر را برآورده کند.

سرعت تغییرات تند شده و به قول خردمندی «دنیا منتظر نخواهد ماند و تغییر شرایط در هر لحظه معادلات تازه را ایجاب می کند.»

۷ اکتبر، وعده صادق، جنگ اوکراین، رشد راست گرایی و پیروزی شمار قابل توجهی از آنها در اروپا، تقویت احتمال ریاست جمهوری ترامپ، تطبیع و تمایل اعراب به رهبری عربستان برای ورود به پیمان ابراهیم، سیاستهای طالبان و سلفی گری در افغانستان، جاه طلبی ترکیه و دوستان تازه از ره رسیده اش، و بالاخره چین و موضع گیری منفعت طلبانه اش در تقرب به شیوخ خلیج فارس... تنها بخشی از سرعت قطار روزگار است.

تحولات تاریخ از قرن ها به سالها تحول یافت و اینک به هفته و روز رسیده است. پس هیچ کس نمی تواند از زیر بار مسئولیت و انتخاب شانه خالی کند.